

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۹۸/۰۵/۱۸

موضوع: گوشه ای از عظمت علمی و وجودی امام باقر (سلام الله علیه)

(سخنرانی در حرم حضرت معصومه (س) به مناسبت شهادت امام باقر (سلام الله علیه)

فهرست مطالب این سخنرانی:

مبارزه با نفس؛ بالاترین مبارزه و جهاد

سیر زندگانی امام باقر (سلام الله علیه) در یک نگاه

عظمت وجودی امام باقر (سلام الله علیه) در نگاه اندیشمندان اهل سنت

گوشه ای از عظمت علمی امام باقر (سلام الله علیه)

چرا شیعیان باید به مذهبشان افتخار کنند!؟

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة

على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم

لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم، شهادت مظلومانه آقا امام باقر (سلام الله

علیه) را به پیشگاه مقدس مولایمان بقیة الله الاعظم ارواحنا لتراب مقدمه الفداء و همه علاقمندان به اهل بیت

عصمت و طهارت، بویژه شما گرامیان تسلیت و تعزیت عرض می‌کنم.

خدا را به آبروی این نور پاك سوگند می‌دهم، پاداش ما را در این مصیبت، فرج موفور السرور مولایمان بقیه الله الاعظم قرار بدهد ان شاء الله.

مبارزه با نفس؛ بالاترین مبارزه و جهاد

قبل از آن که من به مباحث اشاره کنم یکی، دو روایت اخلاقی از آقا امام باقر (سلام الله علیه) بیان کنیم که نورانیتی برای مجلس ما و صفایی برای روح و روان ما باشد. این‌ها خودشان نور هستند و کلام‌شان هم نور است. فرمودند اگر کلامی از ما شنیدید، دیدید نورانیتی در شما ایجاد نمی‌کند، بدانید این کلام ما نیست. امام باقر (سلام الله علیه) می‌فرماید:

«قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُجِبُونَ أَنْ يُقَالَ فِيكُمْ»

با مردم آن‌چنان سخن بگویید که دوست دارید دیگران با شما آن‌گونه سخن بگویند.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی

اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۱۶۵، ح ۱۰

همان‌گونه‌ای که دوست ندارید، سخنان نادرست از دیگران بشنوید، شما هم کلمات ناصحیح به زبان جاری نکنید. همان‌گونه که دوست ندارید دیگران با سخنان‌شان قلب شما را بی‌آزارند، شما هم با سخنان تندتان، قلب دیگران را نیازارید.

سرور عزیزم بین الصلواتین روایتی را از آقا امام باقر خواندند که به حق روایت زیبایی است؛ آقا امام باقر فرمود:

«لَا فَضِيلَةَ كَالْجِهَادِ»

فضیلتی در میان اعمال صالح به مرتبه جهاد نیست؛

چرا که؛

«الْجِهَادُ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِيَخَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ»

جهاد دری است که خداوند عالم فقط به روی برخی از اولیاء خود می‌گشاید.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی

اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج ۵، ص ۴

ولی فرمود بالاترین جهاد، جهاد مبارزه با نفس است؛

وَلَا جِهَادَ كَمُجَاهَدَةِ الْهَوَى

تحف العقول عن آل الرسول (صلى الله عليه و آله)؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، محقق / مصحح:

غفاری، علی اکبر، ناشر: جامعه مدرسین، ص ۲۸۶

در روایت دیگر می‌فرماید:

«جَاهِدْ هَوَاكَ كَمَا تُجَاهِدُ عَدُوَّكَ»

من لا يحضره الفقيه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۴، ص ۴۱۰

فرمود: همان‌گونه که در برابر دشمن سرسخت، موضع می‌گیری و دفاع می‌کنی، با او به ستیز و جهاد

می‌پردازی، با نفس اماره‌ات هم این چنین جهاد کن! اگر ما به آیات و روایات دقت کنیم، یکی از اساسی‌ترین

چیزی که ما را می‌تواند به خدا برساند و از آلودگی‌ها نجات بدهد همین مسئله «هوی» است.

تعبیری حضرت امام (رضوان الله تعالى علیه) در رابطه با منازل سیر و سلوک دارد. برخی از عرفا معتقدند راه رسیدن به الله مثلا چند منزل است. مولانا می‌گوید:

هفت شهر عشق را عطار گشت *** ما هنوز اندر خم يك كوچه‌ایم

راه به رسیدن الله را هفت منزل می‌گوید. گرچه در انتساب این شعر به مولانا بعضی‌ها تردید دارند. یا مثلا «مرحوم سید بحر العلوم» کتابی به نام «سیر و سلوک» دارد، که «آیت الله مرعشی نجفی» هم بر آن حاشیه زده است؛ می‌گوید راه رسیدن به الله، دوازده مرحله دارد و دوازده منزل است. «خواجه نصیر الدین طوسی» می‌آید سی و يك منزل برای رسیدن به الله معین می‌کند.

«خواجه عبدالله انصاری» می‌گوید: "صد منزل بین انسان تا خدا است، اگر این صد منزل پیموده نشود، انسان به مرحله‌ای وصول نمی‌رسد". بعضی‌ها هم هزار منزل به تعداد اسماء الهی ذکر کرده‌اند.

امام (رضوان الله تعالى علیه) بعد از نقل این اقوال می‌فرماید: "رسیدن به الله نه هزار منزل و نه صد منزل و نه سی و يك منزل و نه دوازده منزل و نه هفت منزل؛ بلکه يك منزل بیشتر نیست. قدم اول، پا گذاشتن بر روی هوای نفس، قدم دوم در کوی جانان!"

(وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ؛ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ)

و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوی بازدارد، قطعا بهشت جایگاه اوست!

سوره نازعات (۷۹): آیه ۴۰ و ۴۱

يك قدم بر روی هوای نفس بگذار، قدم دیگر در بهشت لقاء الهی هستی. من خواستم این را به عنوان مقدمه در رابطه با آقا امام باقر (سلام الله علیه) که فرمودند: «لَا فَضِيلَةَ كَالْجِهَادِ وَ لَا جِهَادَ كَمْجَاهِدَةِ الْهَوَىٰ» خدمت تان اشاره کرده باشم.

امشب شام غریبان شهادت آقا امام باقر (سلام الله علیه) است؛ قطعاً روز گذشته و شب گذشته مطالبی را عزیزان ما در این جا بیان کرده‌اند.

سیر زندگانی امام باقر (سلام الله علیه) در یک نگاه

من خیلی فشرده زندگانی آقا امام باقر را عرض کنم؛ ولادت ایشان سال ۵۷ هجری است. سه سال اول عمرش را در زمان «معاویه» سپری کرده است و چهار سال عمرش را در زمان «یزید بن معاویه» و پسرش و بعد از آن هم در زمان «عبدالمک مروان» زندگی خودش را سپری کرده است.

و سال ۹۶ بعد از شهادت پدر بزرگوارش امام سجاد (سلام الله علیه) امامت جامعه اسلامی را عهده دار می‌شود و در سال ۱۱۴ هجری هم توسط سمی که «عبدالمک مروان» و یا پسرش «ولید» به ایشان می‌دهد او را مسموم می‌کند، و به درجه شهادت می‌رسد. و در «قبرستان بقیع» در کنار قبر مطهر پدر بزرگوارش و عموی عزیزش دفن می‌شود. این در حقیقت يك بیوگرافی از زندگی و شهادت آقا امام باقر (سلام الله علیه) است.

عظمت و جودی امام باقر (سلام الله علیه) در نگاه اندیشمندان اهل سنت

معمولاً برنامه من این است که در شرح حال امامان و بزرگواران، ابتدا سراغ علما و بزرگان اهل سنت می‌روم تا ببینم نظر آن‌ها نسبت به ائمه ما چیست؟

همه می‌دانیم «بنی امیه» شجره ملعونه در قرآن و بعد از آن «بنی العباس» بدتر از «بنی امیه»؛ به قول آن شاعر که می‌گوید:

یا لیت جور بنی مروان دام لنا * * * و لیت عدل بنی عباس فی النار

این‌ها تمام تلاش‌شان را به کار بردند، تا حیثیت ائمه را در جامعه مخدوش کنند، افرادی را علیه ائمه در جامعه اجیر کردند، تا سخن افکنی و شبهه افکنی کنند، بعضی از بزرگان اهل سنت را وادار می‌کردند تا با این‌ها بحث و مناظره کنند، امامان در بحث و مناظره کم بیاورند، آبرو و حیثیت علمی آن‌ها مخدوش بشود.

ولی با همه این‌حال، شما ملاحظه کنید بزرگان اهل سنت حتی آقای «ذهبی ناصبی» - به تعبیر شاگردش که می‌گوید: "استاد ما ناصبی است" - وقتی به ساحت ائمه (علیهم السلام) می‌رسد آن چنان عبارتهای زیبا و عالی بیان می‌کند که انسان مبهوت می‌ماند که آیا این سخن از «ذهبی» منحرف و ناصبی است، یا نه، این سخن از «شیخ مفید» و «شیخ صدوق» و دیگر بزرگان شیعه است.

ایشان وقتی به امام باقر (سلام الله علیه) می‌رسد می‌گوید او:

«سید امام فقیه یصلح للخلافة»

او بزرگواری است، که شایسته تصدی خلافت مسلمین است!

سیر أعلام النبلاء؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله الوفاة: ٧٤٨ ،

دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ١٤١٣ ، الطبعة: التاسعة ، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعیم

العرقسوسي، ج١٣، ص١٢٠

همچنین در تعبیر دیگر، ایشان می‌گوید امام باقر (سلام الله علیه):

«وكان أحد من جمع بين العلم والعمل والسؤدد»

تنها کسی است که میان علم و عمل و سیادت و بزرگواری جمع کرده است!

« وكان أهل للخلافة »

اهلیت برای خلافت دارد.

سیر أعلام النبلاء؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله الوفاة: ۷۴۸، دار

النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم

العرقسوسی، ج ۴، ص ۴۰۲

این سخن از مثل «ذهبی» که من بارها عرض کردم به روایاتی در فضائل اهل بیت می‌رسد تلاش می‌کند اشکال رجالی بگیرد و اشکال سندی بگیرد، تا روایت را مخدوش کند و اگر نمی‌تواند اشکال سندی بگیرد، اشکال دلالی می‌گیرد.

شما «مستدرک حاکم نیشابوری» را ببینید که «ذهبی» بر او حاشیه زده است، در غالب روایات در فضیلت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ایشان حرف دارد، مناقشه می‌کند اشکال می‌کند و رد می‌کند. بعضی وقت‌ها هم می‌بیند اشکال سندی نمی‌تواند بگیرد، اشکال دلالی هم ندارد مثل روایتی که از رسول اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) است:

«حبیبك حبیبی وحبیبی حبیب الله وعدوك عدوی وعدوی عدو الله»

علی جان! دوستان تو دوست من هستند، دوستان من دوست خدا هستند، دشمنان تو دشمن من هستند، و دشمنی با من دشمنی با خدا است!

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری الوفاة: ۴۰۵ هـ،

دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر

عطا، ج ۳، ص ۱۳۸

وقتی که «ذهبی» به این روایت می‌رسد با این‌که «حاکم نیشابوری» می‌گوید صحیح است و دیگران بر صحتش اظهار کرده‌اند، هرچه تلاش می‌کند اشکال سندی و دلالی بگیرد نمی‌تواند در آخر می‌گوید:

«يشهد القلب انه باطل»

قلب بیمار من ذهبی شهادت می‌دهد که این روایت باطل است!

میزان الاعتدال في نقد الرجال؛ اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي الوفاة: ٧٤٨، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٩٩٥، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ج ١، ص ٢١٣

حتی بعضی از محشّین، حاشیه زده‌اند می‌گویند این عبارت «ذهبی» دور از انصاف است. «يشهد القلب انه باطل!» قلب ما که نباید ملاک صحت و نادرستی روایت باشد، در غالب روایات ایشان این‌چنین نظر دارد. در رابطه با حدیث پیامبر (صلی الله علیه واله وسلم):

«أنا مدينة العلم وعلي بابها فمن أراد المدينة فليأت الباب»

«هذا حديث صحيح الإسناد ولم يخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥ هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص ١٣٧

در يك صفحه و در وسط صفحه می‌گوید این حدیث را «شريك» نقل کرده من قبول ندارم، از «شريك» خیلی بعید است همچنین عبارتی را نقل کند! مگر می‌شود پیغمبر بفرماید: "من شهر علم هستم و علی در آن شهر

است" دو ستر بعد روایتی در فضیلت ابوبکر از همین آقای «شريك» نقل می‌کند می‌گوید این روایت صحیح است!!

ولی نسبت به جایگاه ائمه که می‌رسد، نسبت به امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، حتی نسبت به حضرت مهدی (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) با صراحت روایاتی را نقل می‌کند؛ ولی نمی‌تواند رد کند، بعد می‌گوید:

«فَوَدِدْنَا ذَلِكَ وَاللَّهِ»

به خدا سوگند ما حضرت مهدی را دوست داریم.

سیر أعلام النبلاء؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله الوفاة: ۷۴۸، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ج ۱۳، ص ۱۲۰

می‌گوید: این روایاتی که در مورد فضیلت، و حکومت و خلافت و حکومت جهانی او آمده این آرزوی قلبی ما است؛ ولی چه کار کنیم که این روایت خیلی قابل اعتماد ما نیست!!

من به همین عبارت ایشان اکتفا می‌کنم، فقط يك عبارتی را از شاگرد ایشان، آقای «ابن كثير دمشقی سلفی» متوفای ۷۷۴ که در رابطه با آقا امام باقر (سلام الله عليه) است خدمت تان نقل می‌کنم. ایشان هم عبارتی شبیه استادش به این شکل در مورد امام باقر دارد:

«وهو تابعي جليل كبير القدر كثيرا أحد اعلام هذه الامة»

یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای امت اسلامی است.

تعبیر، تعبیر خیلی بزرگی است.

«أحد اعلام هذه الامة علما وعملا وسيادة وشرفا»

البداية والنهاية؛ اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء الوفاة: ٧٧٤، دار النشر: مكتبة

المعارف - بيروت، ج ٩، ص ٣٠٩

گوشه ای از عظمت علمی امام باقر (سلام الله علیه)

مرحله بعدی عرایض من در رابطه با بحث‌های است که آقا امام باقر (سلام الله علیه) در جذب شخصیت‌های مخالف داشتند. شما ملاحظه کنید بعد از شهادت آقا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) ورق بر می‌گردد. ائمه در حقیقت عزلت انتخاب می‌کنند و حکومت‌ها اجازه فعالیت سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی به آن‌ها نمی‌دهند.

اما در بخشی از زمان که «بنی امیه» با «بنی العباس» درگیر مسائل سیاسی هستند، فرصتی برای آقا امام باقر و امام صادق پیدا می‌شود، این‌ها دانشگاه بزرگی را تشکیل می‌دهند و در این دانشگاه بزرگ، شخصیت‌های برجسته‌ای تربیت می‌کنند. افرادی که از دانشگاه امام صادق فارغ التحصیل می‌شوند به تعبیر «شیخ مفید» در کتاب «ارشاد» از مرز چهار هزار نفر تجاوز می‌کند.

شخصیت‌های که آقا امام باقر (سلام الله علیه) تربیت می‌کند به تعبیر «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «رجال»، چهار صد و شصت دو نفر از علمای بزرگ اهل سنت و شیعه در مکتب امام باقر افتخار تلمذ و افتخار فارغ التحصیلی دارند.

به طوری که «ابن سعد» در کتاب «طبقات» خودش و «سبط ابن جوزی» در «تذكرة الخواص» صفحه ٣٠٢ می‌گویند: "یکی از کسانی که فارغ التحصیل مکتب امام باقر و امام صادق است، «ابوحنیفه نعمان ابن ثابت» رئیس مذهب حنفی‌ها متوفای ١٥٠ است" «ابوحنیفه» مدتی در «مدینه» افتخار شاگردی امام باقر را دارد.

امام صادق دو سال به کوفه هجرت می‌کند در آن دو سال باز «ابوحنیفه» افتخار شاگردی امام صادق را دارد، همان تعبیری را که مشهور است، «ابو حنیفه» می‌گوید:

«لولا السنن لهلك النعمان»

الحطة في ذكر الصحاح الستة؛ اسم المؤلف: أبو الطيب السيد صديق حسن القنوجي الوفاة: ۱۳۰۷هـ ، دار

النشر: دار الكتب التعليمية - بيروت - ۱۴۰۵هـ / ۱۹۸۵م ، الطبعة : الأولى، ج ۱، ص ۲۶۴

«دهلوی» در «مختصر التحفة الاثني عشریه» صفحه ۹ با آب و تاب این قضیه را از «ابو حنیفه» نقل می‌کند که اگر آن دو سال شاگردی من در مکتب این بزرگوار نبود، من بی‌چاره شده بودم، هرچه از علوم دارم محصول آن دو سال شاگردی مکتب امام صادق است. «ابوحنیفه» قبلا هم شاگردی آقا امام باقر را دارد.

مناظراتی هم «ابو حنیفه» با آقا امام باقر دارد که مفصل است و در این جلسه مختصر امکان بیانش نیست. امام باقر (سلام الله علیه) يك روزی نشسته است دو تا از شخصیت‌های برجسته‌ای اهل سنت خدمت ایشان حضور پیدا می‌کنند. آقایان به کتاب‌های فقهی، اصولی، رجالی و تراجم اهل سنت مراجعه کنند.

آقای «سلمة بن كهیل» متوفای ۱۲۱ هجری قمری است. «ابن حجر» وقتی که می‌خواهد او را ترجمه کند می‌گوید:

«سلمة بن كهیل و كان ركنا من الأركان»

تهذيب التهذيب؛ اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: ۸۵۲ ، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۴، ص ۱۳۷

در کنار «سلمة ابن كهيل» شخصيت برجسته ديگري است به نام «حكيم ابن عتيبه» كه باز آقاي «ابن حجر» در كتاب «تهذيب التهذيب» جلد ۲ صفحه ۳۷۲ مي گويد: علمای اهل سنت عيال کنار سفره «حكيم ابن عتيبه» هستند.

اين دو شخصيت برجسته يك روزي در جلسه خصوصي با امام باقر (سلام الله عليه) ملاقاتي دارند، سولاتي مطرح مي كنند پاسخ هاي مي شوند؛ در بعضي از قسمت ها «سلمة ابن كهيل» و «حكيم ابن عتيبه» دچار ترديد مي شوند، امام باقر با صدای رسا مي گويد: " آقاي «حكيم ابن عتيبه» و آقاي «سلمة ابن كهيل»:

«شَرِّقًا وَ غَرْبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ»

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم؛ صفار، محمد بن حسن، مصحح: كوچه باغي،

محسن بن عباسعلي، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ج ۱، ص ۱۰

اين افتخار مذهب اهل بيت است، اين افتخار مذهب شيعة است مي گويد: آقاي «حكيم ابن عتيبه» و آقاي «سلمة ابن كهيل» شرق و غرب عالم را زير پاي تان قرار دهيد، علوم اسلامي صحيح و معارف درست اسلامي را جز از سينه هاي ما اهل بيت كه از سرچشمه وحى گرفته ايم، پيدا نخواهيد كرد!

اين تحدي امام باقر است كه اين صدای رساي او الان در طول اين چهارده قرن در فضاي جامعه اسلامي طنين افكن است، در طول تاريخ غير از اين دودمان، كسي چنين نتوانستند بكنند.

بعضي از شخصيت هاي بزرگ شان وقتي تصميم مي گيرند بيايند با امام صادق (سلام الله عليه) مناظره كنند، بعد از ورود به مناظره، پشيمان و شرمنده برمي گردند.

«مرحوم کلینی» (رضوان الله تعالی علیه) و مرحوم «صفار» در «بصائر» عبارتی را نقل می‌کنند که فردی به نام «نافع ابن ازرق» از علمای بزرگ اهل سنت است، نسبتی هم با خلیفه دوم اهل سنت دارد، همراه «هشام ابن عبدالملك» به زیارت خانه خدا می‌آید.

می‌بیند عده‌ای در گوشه‌ای جمع شده‌اند و يك بزرگواری نشسته سوال می‌کنند و او پاسخ می‌دهد؛ «نافع ابن ازرق» از «هشام» می‌پرسد این شخص کیست که مردم دور او حلقه زده‌اند و سوال می‌کنند و او پاسخ می‌دهد؟

«هشام» می‌گوید این مرد از خاندان اهل بیت عصمت و طهارت است. ایشان فردی است که ما در عصر حاضر در علوم اسلامی کسی همپای او نداریم، «نافع ابن ازرق» می‌گوید اگر اجازه بدهید من بروم از این آقا چند تا سوال کنم و او را شرمنده کنم؛ تعبیرش این است!!

«هشام» می‌گوید:

«فَأَذْهَبَ إِلَيْهِ فَسَلَّهُ فَلَعَلَّكَ أَنْ تُخْجَلَهُ»

برو سولاتی از امام باقر بپرس شاید او را شرمنده و خجالت زده کنی!

تفسیر القمی؛ قمی، علی بن ابراهیم، محقق / مصحح: : موسوی جزائری، طیب، ناشر: دار الکتاب، ج ۲،

ص ۲۸۴

خیلی تعبیر عجیبی است! ایشان می‌آید مطالبی را مطرح می‌کند از امام باقر سوال می‌کند فاصله میان حضرت عیسی و رسول اکرم چند سال بود؟ امام باقر می‌گوید آن طور که من عقیده دارم یا تو عقیده داری؟ گفت هر دو را بگو! حضرت می‌فرماید: " ما معتقدیم فاصله میان حضرت عیسی و رسول اکرم پانصد سال بود ولی شما بر این عقیده هستید که ششصد سال بوده است."

بعد ایشان آیه ۴۵ سوره زخرف را می‌خواند و می‌گوید: فرزند پیغمبر! خدای عالم خطاب به رسول اکرم در قرآن می‌گوید:

(وَإِنسَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا...)

از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بپرس...

سوره زخرف (۴۳): آیه ۴۵

دیگر انبیاء پیش‌کش، آخرین نبی الهی با رسول اکرم پانصد سال و یا ششصد سال فاصله دارد، این آیه خطاب به رسول اکرم است داستان چیست؟ حضرت می‌فرماید بنشین سوال کردی جواب من را بشنو!

حضرت شروع می‌کند و می‌فرماید این آیه مربوط به معراج است، رسول اکرم که معراج رفته در آن‌جا تمام انبیاء پشت سر رسول اکرم نماز خواندند و بعد از نماز، «جبرئیل» از طرف خدای عالم آمد به او دستور داد یا رسول الله: **(وَإِنسَأَلُ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا...)**

از این پیامبران که پشت سر تو نماز خواندند از این‌ها بپرس **«لماذا ارسلتم»**؛ هدف نهایی رسالت شما چه بوده است؟ سر لوحه مأموریت شما برای هدایت مردم چه بوده است؟

تمامی این‌ها اعتراف کردند یا رسول الله! ما در سر لوحه بعثت‌مان شهادت به وحدانیت خدا و بر رسالت تو و ولایت علی ابن ابیطالب بوده‌ایم!

البته این قضیه فقط منحصر به منابع شیعه نیست. این مطلبی را که خدمت‌تان عرض کردم «مرحوم علی بن ابراهیم قمی» در تفسیر خودش جلد ۲ صفحه ۲۸۴ و «مرحوم شیخ مفید» در «ارشاد» جلد ۲ صفحه ۱۶۲ نقل می‌کنند؛ ولی اگر به منابع معتبر اهل سنت مراجعه کنیم مثل آقای «ابن عساکر» متوفای ۵۷۱ صاحب کتاب

«تاریخ مدینه دمشق» ایشان در کتاب «تاریخ مدینه دمشق» جلد ۴۲ صفحه ۲۴۱ نقل می‌کند رسول اکرم در معراج از انبیاء پرسید:

«علی ما بعثوا؟»

هدف نهایی بعثت شما چه بود؟

همگی پاسخ دادند

«علی ولایتک و ولایة علی بن ابي طالب»

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال؛ اسم المؤلف: ابي القاسم علي بن الحسن
ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة: ۵۷۱، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین
أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج ۴۲، ص ۲۴۱

شاید بیش از بیست کتاب اهل سنت این روایت را نقل کرده‌اند، در منابع ما هم آقایان مراجعه کنند، «مرحوم صفار» متوفای ۲۹۰ در کتاب «بصائر الدرجات» که یکی از بهترین کتاب‌های شیعه در معرفی جایگاه امامت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین است، ایشان در جلد ۱ صفحه ۷۵ نزدیک به بیست روایت به این مضمون نقل می‌کند که امام باقر (سلام الله علیه) فرمودند:

«وَلَايَتُنَا وَوَلَايَةُ اللَّهِ»

ولایت ما ولایت خدا است!

«الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا»

خدا هیچ پیغمبری را مبعوث نکرده، جز به ولایت ما اهل بیت

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم؛ نویسنده: صفار، محمد بن حسن، مصحح: کوچه

باغی، محسن بن عباسعلی، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ج ۱، ص ۷۵

این‌ها نشان می‌دهد که قضیه ولایت اهل بیت و امامت اهل بیت، بحث غدیر و بحث حدیث منزلت، جنگ تبوک و قضیه جنگ احزاب و حدیث رایت و... نیست. قضیه ولایت اهل بیت (سلام الله عليهم اجمعين) يك قضیه‌ای مربوط به عالم قبل از این عالم است که حتی اهل سنت و خود آقای «ابن عساکر» در «تاریخ مدینه دمشق» در جلد ۴۲ صفحه ۶۱ - ۶۷ از قول رسول اکرم نقل می‌کند.

این عبارت از يك عالم بزرگ سنی است که با سند معتبر نقل می‌کند که حضرت فرمود:

«كنت أنا وعلي نورا بين يدي الله مطيعا يسبح الله ذلك النور ويقدسه قبل أن يخلق آدم بأربعة عشر ألف

عام»

من و علی نوری در محضر الهی بودیم قبل از چهارده هزار سال که آدم آفریده شود!

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها و تسمیه من حلها من الأمثال؛ اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن

إبن هبة الله بن عبد الله الشافعي الوفاة: ۵۷۱، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین

أبي سعيد عمر بن غرامة العمري، ج ۴۲، ص ۶۷

چرا شیعیان باید به مذهبشان افتخار کنند!؟

این‌ها مطالبی است که افزون بر کتب روایی شیعه، کتب روایی و تفسیری و رجالی اهل سنت مملو از این روایات است.

من بارها گفته‌ام اگر تمام روایات شیعه را جمع کنند و در دریا بریزند، و تمام کسانی که احادیث و فضائل

اهل بیت را نقل کرده‌اند را هم نابود کنند، ما و کتاب‌های درجه اول اهل سنت، کتاب‌های صحاح اهل سنت

باشیم، ما می‌توانیم امامت امیرالمؤمنین و خلافت بلا فصل امیرالمؤمنین و امامت ائمه (علیهم السلام) را از کتب معتبر اهل سنت با سند صحیح با معیار رجالی اهل سنت ثابت کنیم.

این افتخار شیعه است، شیعه باید سرش را بالا بگیرد و به این مذهب بیالد، به این امامان بیالد، با آن همه دشمنی‌ها و با آن همه عداوت‌ها، با آن همه شکنجه‌ها بر روایت و شخصیت‌ها، باز این حقایق در منابع مخالفین ما و کسانی که معتقد به امامت ائمه نبودند به وفور بلکه بعضی از مواقع در حد متواتر نقل شده است و این مایه مباحث شیعه است.

من بیش از این عزیزان را معطل نکنم و يك نکته‌ای هم در رابطه با آقای «قتاده» عرض کنم؛ حالا که من مناظره را عرض کردم از دوستان تقاضا دارم مناظره‌ای که آقا امام باقر با «قتاده» که از فقهای بزرگ اهل سنت است و صاحب مسلک است، قبل از این که این مذاهب منقرض بشوند یکی از مذاهب اهل سنت مذهب «قتاده» بوده است.

ایشان می‌گویند: من چهل مسئله پیچیده و مشکل آماده کرده بودم تا خدمت امام باقر بروم و از او سوال کنم و او را در میان مردم خجالت زده کنم. داستانی مفصلی دارد، وقتی که خدمت امام باقر می‌رسد، بدنش دچار لرز می‌شود، هیبت امام باقر آنچنان او را گرفته که توان سخن گفتن ندارد.

عرض کرد یا ابن رسول الله! من در میان شخصیت‌ها، شخصیتی مثل «ابن عباس» را درك کرده‌ام؛ ولی هیبت شما من را گرفته است. حضرت فرمود: بله، تو در برابر شخصی قرار گرفته‌ای که در حق آن‌ها آیه:

(فِي يُبُوتِ أذنَ اللّٰهُ أَنْ تُزْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ)

(این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهایی آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود!

سوره نور (۲۴): آیه ۳۶

نازل شده. شما در برابر کسانی واقع شدی که قرآن می‌گویند:

(رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ)

مردانی که نه تجارت و نه معامله‌ای آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند.

سوره نور (۲۴): آیه ۳۷

بعد حضرت فرمود سوالت را پیرس. «قتاده» گفت:

«فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْجُبْنِ»

یا ابن رسول الله! خوردن حکم پنیر چیست؟

دارد که:

«فَتَبَسَّمَ أَبُو جَعْفَرٍ عَ ثُمَّ قَالَ رَجَعْتُ مَسَائِلُكَ إِلَى هَذَا»

امام باقر تبسمی کردند و فرمودند شما این همه راه را آمده بودی که فقط خوردن حکم پنیر را پیرسی؟

«قتاده» برگشت گفت:

«ضَلَّتْ عَلَيَّ»

یا ابن رسول الله! تمام سوالاتی که جمع کرده بودم از یادم رفت!

الكافي (ط - الإسلامية)، كلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و

آخوندی، محمد، ج ۶، ص: ۲۵۶

این بزرگواران این چنین بودند. حضرت آقا امام باقر (سلام الله علیه) در سال ۱۱۴ هجری قمری مظلومانه و غریبانه به شهادت رسید بنا به وصیتش، فرزند بزرگوارش امام صادق (سلام الله علیه) او را غسل داد و کفن کرد و تشیع محترمانه و مناسب آن بزرگوار در مدینه تشکیل شد و در قبرستان بقیع در کنار قبر عموی بزرگوارش امام مجتبی و پدر بزرگوارش امام سجاد دفن شد؛ ولی جان‌ها به قربانت یا ابا عبدالله الحسین آخرین لحظه‌ای که زینب داشت از کربلا حرکت می‌کرد عرض کرد: حسین جان! شرمنده هستم نتوانستم جنازه‌ات را دفن کنم، جنازه تو را بر روی بیابان برهنه گذاشتم و رفتم.

«الا لعنة الله على القوم الظالمين؛ و سيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون»؛

خدایا به آبروی آقا امام باقر فرج مولای ما ولی عصر نزدیک بگردان. ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده. انقلاب ما را به انقلاب جهانی حضرت متصل بفرما.

خدمت گذاران به اسلام و اهل بیت در هر لباس و منصبی که هستند بالاخص مقام معظم رهبری را موفق و مؤید بدار.

خدا به آبروی امام باقر خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار، شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. حوائج ما را خدایا به آبروی امام باقر بر آورده نما، دعا‌های ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین و صالحین بالاخص امام راحل و دو یادگارش صلوات ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته